

ممنوعیت استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی

مراد قرالو^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

محمد هادی مهدوی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۵

مسعود راعی^۳

چکیده

با فراگیر شدن سلاحهای کشتار جمعی و رقابتهای روزافزون تسلیحاتی، بشر وارد فاز تازه‌ای از تمدن شده که قبلاً به هیچ وجه با این شدت و هیبت خود را در معرض نابودی ندیده است. علیرغم تلاشهای بسیار زیاد سازمانهای بینالمللی و حقوقی نتیجه قابل توجهی در زمینه تولید، انباشت و استفاده از آن، چه در جهت نابودی انسانها و چه در جهت نابودی محیط زیست به چشم نمیخورد. یک دلیل آن میتواند این باشد که این سازمانهای بینالمللی مدافع حقوق بشر آبشخورشان را از قدرتهای عظیم نظامی که خود بزرگترین تولیدکنندگان این سلاحها هستند، سرچشمه میگیرند. اما شریعت اسلام، پیرو ماهیت صلحجویانه و بشردوستانه، هزاران سال پیش استفاده و انباشت سلاحهای خسارت دهنده به انسان و محیط را به شدت نکوهیده و حرام قلمداد کرده است. مقالهی پیشرواز نوع تحقیقات بنیادی بوده و به روش توصیفی تحلیلی انجام پذیرفته است. در این پژوهش با مراجعه به نظرات فقها و علمای دینی، به طرح و بسط دلایل حرام بودن سلاحهای کشتار جمعی از دیدگاه فقهای اهل تشیع و تسنن پرداخته شده است. بدیهی است این علما پیام آیات و فحوای روایات را به اینگونه سلاحها تعمیم داده‌اند.

واژگان کلیدی: سلاح کشتار جمعی، فقه اسلامی، ممنوعیت، حرمت، اهل تشیع، اهل تسنن.

^۱دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

^۲دانشیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

^۳استاد گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

با وجود نتایج ویرانگر به کارگیری سلاحهای هسته ای و شیمیایی و میکروبی که به از بین رفتن تعداد زیادی از انسانها و جانوران و طبیعت منجر میشود، مسابقه تسلیحاتی قدرتهای بزرگ جهان و مدعیان دروغین حقوق بشر نکتههای است بسی جای تامل، به طوریکه تنها کشور استفاده کننده از سلاح اتمی، پرمدعترین آنها در زمینه حقوق بشر یعنی آمریکا است و تنها کشور دارنده سلاح اتمی که هر لحظه ممکن است تمامی منطقه را دستخوش جنگ عظیمی کند، رژیم غاصب صهیونیستی است. اینکه چه چیزی این قدرتها را به این سمت و سو سوق داده تا حدی وامدار سیاست یک بام و دو هوا و سیاستهای دوگانه است. اما این تلاشهای شوم، جهت دست یافتن به این سلاحها، جمهوری اسلامی ایران را که تجلیگاه اسلام ناب محمدی است را بر آن نداشته که به این سلاحها دست یابد یا قدمی را در جهت دست یافتن به آن بردارد. شاهد این مدعا، استفاده مسالمتآمیز از اورانیوم برای اهداف پزشکی و تولید برق و تحریم به منظور دست یافتن به سلاحهای اتمی توسط آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران است. به گفته ایشان: افزون بر سلاح هستهای، دیگر انواع سلاحهای کشتار جمعی نظیر سلاح شیمیایی و میکروبی نیز تهدید جدی علیه بشریت تلقی میشوند. ما کاربرد این سلاح را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابنای بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان میدانیم. ایشان در جای دیگری گفته‌اند: ما اعتقاد به بمب اتم و سلاح اتمی نداریم، دنبالش هم نخواهیم رفت. بر طبق مبانی اعتقادی و دینی ما به کار بردن اینگونه وسایل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است. حرام است، این ضایع کردن نسل و حرث است که قرآن آن را ممنوع کرده است.

هدف از این پژوهش، روشن ساختن ممنوعیت استفاده از سلاحهای کشتار جمعی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران و اسلام میباشد. از آنجاکه، سیاستهای جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر اسلام است لذا، ممنوعیت استفاده از سلاحهای کشتار جمعی از دیدگاه

اسلام بیان شده است. به دلیل استفاده روزافزون از این سلاحها برای قتل و عام مردم بیگناه در سراسر دنیا و تهدیدات بالقوهی این سلاحها برای آینده بشریت، لازم و ضروری است تا دلایل مستحکمی دال بر نکوهش آن از دیدگاه اسلام به عنوان تنها راه نجات بشریت ارائه گردد.

اصلاح "سلاحهای کشتار جمعی" نخستین بار در سال ۱۹۴۸، در یکی از اسناد کمیسیون تسلیحات نوع کلاسیک به کار رفت و از آن پس رواج یافت. سلاحهای کشتار جمعی شامل سلاحهای اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که گاه با علامت اختصاری A.B.C از آن یاد میشود و در مقابل سلاحهایی قرار دارند که به سلاحهای نامتعارف موسوم هستند. در واپسین سالهای قرن بیستم توجه فزاینده جامعه بینالمللی بیش از پیش به این سلاحها معطوف شده است. اگرچه تعریف جامع و مانعی از این اصطلاح و حدود آن در حقوق قراردادی تعریف نشده است، اما از معنای آن این برمیآید که خاصیت این نوع سلاحها، آسیب زدن در مقیاس عظیمی به گروه بزرگی از انسانها است. لذا طبق سند جهانی و شماره دو پروتکل سوم توافقات پاریس در سال ۱۹۵۴، منظور از این سلاحها، سلاحهایی است که میتواند تعداد زیادی از انسانها و یا هر موجود زندهای را بکشد و زخمی سازد یا خسارات عظیم به ساختههای دست بشر و لطمه به حیات بشر بزند. در این مقاله در وهله اول ممنوعیت این سلاحها از دیدگاه قرآن و حدیث و سپس از دیدگاه مذاهب اهل تشیع و اهل تسنن مورد بررسی قرار گرفته است. پرواضح است که در عصر رسول الله (ص) و ائمه اطهار استفاده از سلاحهای کشتار جمعی به صورت سلاحهای شیمیایی و اتمی وجود نداشته، تا موضع دقیق اتخاذ شده در مقابل آنها را مشخص کنیم، اما نمونههای کوچکتری در آن عصر به چشم میخورد که میتوان ممنوعیت تحریم آنها را به سلاحهای امروزی تعمیم داد. از جمله مسموم کردن مناطق، آتش زدن درختان، جاری کردن آب جهت غرق کردن آنها و... (طوسی، همان: ۶/ ۱۳۸؛ کلینی، همان: ۵، ۲۹؛ حرعاملی، وسادل الشیعه ۱۴۰۹: ۵۸/۱۵).

مبنای ممنوعیت استفاده از سلاحهای کشتار جمعی از دیدگاه فقهای اهل تشیع

اسناد متقنی در فقه شیعه وجود دارد که نشان میدهد رهبران دینی شیعه از حداقل ده قرن پیش فتوای حرمت استفاده از سلاحها و ابزارهایی را داده‌اند که باعث کشتار وسیع انسانها و هلاکت موجودات زنده و محیط زیست میگردد (مانند مسموم کردن آبهای دشمن). فقهای اهل تشیع مخالف تولید و انباشت اینگونه سلاحها بوده‌اند. هرچند پدیده‌ی سلاح‌های غیرمعارف و کشتار جمعی، به صورت کنونی در زمانهای گذشته مطرح نبوده است و این موضوع جزء مسائل مستحدثه (جدید) محسوب میشود؛ ولی مجموعهای از اصول کلی فقهی مرتبط با این موضوع در اسلام وجود دارد که از قرن‌ها قبل مبنای فتوای فقها قرار گرفته است. در سطور آتی به چند نمونه از آنها پرداخته شده است.

شیخ طوسی در کتاب النهایه که از قدیمیترین کتب فقهی است، بر اساس متن روایت حکم به حرمت پخش سم در سرزمین کفار نموده است: جنگیدن با کفار با انواع ابزارهای قتل به جز سم در سرزمین آنها جایز است (شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۹۳). این نظر که مربوط به هزاران سال قبل است، بعد از ایشان نیز مورد قبول و تایید فقهای بسیار زیادی واقع شده است که در کتب خود مطابق آن فتوا داده‌اند.

ابن ادریس میگوید: جائز است نبرد با کفار با سایر انواع قتل، مگر پخش کردن سم در سرزمین کفار؛ همانا جایز نیست سم در سرزمین آنها پخش شود (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷).

ابن زهره تاکید دارد: نبرد با دشمنان با هرچه امید پیروزی با آن میرود جایز است مانند آتش، منجنیق و امثال این دو، گرچه مسلمانان در میان آنان باشند. البته پخش کردن سم در میان آنان جایز نیست (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۲۰۱).

آیت الله خوئی مینویسد: پخش کردن سم در سرزمین مشرکان به دلیل نهی پیامبر (ص) در روایت معتبر سکونی جایز نیست (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۷۳).

صاحب جواهر در ذیل کلام محقق حلی که "یحرم القاء السم"، پیشینه شناسی مفصلی کرده و حرمت استفاده از این سلاحها را به بسیاری از فقها مانند شیخ طوسی در کتاب نهایتة و ابن زهره در کتاب غنیه النزوع و ابن ادریس در کتاب سرائر و علامه حلی در کتاب مختصر المنافع و تبصره و ارشاد و شهید اول در کتاب دروس و محقق ثانی در کتاب جامع المقاصد نسبت می دهد. ایشان با نقد دیدگاه برخی فقیهان که حکم به کراهت این عمل داده‌اند، بر قول حرمت این نظریه تاکید کرده است و در ادامه با عنایت به اطلاق روایت مذکور، مسموم کردن بلاد را حتی اگر به پیروزی در جنگ منجر شود، مجاز ندانسته است (نجفی، ۱۳۶۵؛ ج ۲۱، ص ۶۸).

بسیاری از مراجع تقلید معاصر به کارگیری ابزارهای جنگی غیرمتعارف را در جنگ حرام دانسته‌اند که از آن جمله میتوان به آیت الله خامنه‌ای اشاره کرد که این سلاحها را ضد بشری، غیرعقلانی، و ضد انسانی دانسته و اینگونه اظهار داشته‌اند: به اعتقاد ما افزون بر سلاحهای هستهای، دیگر انواع سلاحهای کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدید جدی علیه بشریت تلقی میشوند. ما کاربرد این سلاحها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن به ابنای بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان میدانیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱/۲۷).

استفاده از سلاحهای هستهای نه تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر میشود، بلکه میان آحاد ملت، نظامی و غیرنظامی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و کهنسال و خردسال تمایزی قائل نشده و آثار ضد بشری آن مرزهای سیاسی و جغرافیایی را در نوردیده و حتی به نسلهای بعدی نیز خسارتهای جبران ناپذیر وارد خواهد نمود. لذا هرگونه استفاده و حتی تهدید به استفاده از این سلاح، نقض جدی مسلمترین قواعد بشردوستانه و مصداق بارز جنایت جنگی قلمداد میگردد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱/۲۷).

نظرات فقهای اهل تسنن در باب ممنوعیت سلاحهای کشتار جمعی

فقهای اهل تسنن همانند اهل تشیع بر اساس آیات و روایات فتوا داده‌اند که استفاده از ابزارهای کشتار جمعی و هرگونه عملی که موجب کشتادن جنگ به مناطق غیرنظامی باشد و موجب تعدی و تجاوز به غیر نظامیان و محیط زیست از قبیل حیوانات، مزارع و درختان و تخریب خانه گردد، حرام است. در اینجا مدون به آیات و روایات دستهبندی شده اشاره می‌شود. فقها در آیات اختلافی ندارند ولی استدلال هر دسته از فقهای اهل سنت به روایات خاصی میباشد. بسیاری از روایات فریقین نیز همانند آیه اعتدا بر حرمت کشتادن جنگ از صحنه جنگ به منطقه غیر نظامی و تعدی کردن به غیر نظامیان و محیط زیست دلالت میکند. حال فرقی نمیکند این کار با تسلیحات متعارف باشد یا غیر متعارف. اما روایات از طریق اهل سنت در اینباره فراوان است.

فقهای حنفی

لا یقتلوا اعمی، و لا مقعدا، و لا مقطوع الیمین، و لا شیخا فانیاً (موصولی الحنفی، الاختیار لتعلیل المختار: ۱۲۸/۴)؛ شخص دیوانه، زن، بچه، کور و نشسته و مقطوع دست راست و افراد پیر و سالخورده را نکشید.

و لا یقتلوا امراه و لا ضییا و لا شیخا فانیاً و لا مقعدا و لا اعمی لان المبیح للقتل عندنا هو الحراب و لا یتحقق منهم، و لا هذا یقتل یابس الشق و المقطوع یده و رجله من خلاف (شوکانی، فتح القدیر ۱۴۲۱: ۱۲/۴۱۱)؛ نکشید زن و بچه و افراد پیر و سالخورده و نشسته و کور را، زیرا آن کسی که مباح است قتلش در نزد ما حراب (جنگجوی حمله ور) است و محقق نمی‌شود این امر از این افراد ذکر شده، و نیز کشته نشود مقطوع دست راست و مقطوع دست پا از خلاف (یعنی دست راست و پای چپ یا قطع دست چپ و پای راست). بنا به این نقطه نظر فقهای حنفی، تمامی اعمالی که موجب کشته شدن افراد غیر نظامی شود ممنوع است. در روزگار ما، این اعمال با همان مشخصهها و کیفیت مختلف با سلاحهای کشتار جمعی گرم مانند بمب اتم و شیمیایی صورت میگیرد و می‌توان تحریم آن را از این آیه و روایت استنباط نمود و به آن تعمیم داد.

و لا يجوز قتل نسانهم و لا صبيانهم اذا لم يقاتوا لما روى ان رسول الله نهى عن قتل النساء و الصبيان و لا يجوز قتل الخنثى المشكل، لانه يجوز ان يكون رجلا و يجوز ان يكون امراه فلم يقتل مع الشك (نوفری، بی تا: ۲۹۵/۱۹)؛ جایز نیست قتل زنان و بچهها زمانی که مقاتله نکنند، به دلیل آنچه روایت شده از رسول الله که نهی کرد از قتل زنان و بچهها، و جایز نیست قتل خنثای مشکل، چه مرد باشد و چه زن باشد و در صورت شک شکسته نمیشود.

و يحرم عليه قتل صبي و مجنون و امراه و خنثى مشكل. الشرح: (و يحرم عليه قتل صبي و مجنون) و من به رق (و امراه خنثى مشكل) للنهى عن قتل الصبيان و النسافى الصحيحين، و الحق المجنون بالصبي، و الخنثى بالمرآه لاحتمال انوثته (ابن ادریس، کتاب الام ۱۴۰۳: ۲۵۲/۴-۲۵۳)؛ و حرام است قتل پیرزن و دیوانه و زن و خنثای مشکل: الشرح: (و حرام است بر شما کشتن بچه و دیوانه) و کسی که رق و عبد است (و زن و خنثای مشکل) به سبب نهی از کشتن بچهها و زنان در دو صحیحه و حق این است که مجنون به بچه و خنثی به دلیل احتمال مونث بودنش به زن ملحق میشود. از نظر این روایات استفاده از هرگونه سلاح جنگی که هدفش از بین بردن زنان، صبیان، خنثای مشکل و ... باشد حرمت دارد. بنابراین، استفاده از سلاحهای کشتار جمعی که متضمن کشتن غیر نظامیان بیگناه باشد، ممنوع است.

فقهای حنبلی

و لا تقتل امراه و لا شیخ و بذلک و لا شیخ و بذلک قال مالک و صاحب الراى، و روى ذلک عن ابى بکر الصديق و مجاهد. روى عن ابى عباس فى قوله تعالى (و لا تعتدوا) يقول لا تقتلوا النساء و الصبيان و الشيخ الكبير (ابن قدامه، الکافی فى فقه ابن حنبل: ۱۰/۵۴۵-۵۴۴)؛ زن و افراد پیر و سالخورده را نکشید. به این مطلب مالک و اصحاب رای

داده‌اند. کما اینکه از ابی بکر همین مطلب روایت شده و از ابن عباس نیز روایت شده است.

و اذا ظفر بهم لم يقتل صبی و لا امراه و لا راهب و لا شیخ فان و لا اعمی؛ زمانی که در جنگ غلبه بر دشمن پیدا کردید کودکان و پیران و زنان و فراری و اشخاص کور و نابینا را نکشید.

این روایات نیز با توجه به کلمه "و لا تعتدوا" و "لا تقتلوا" مثل آیه اعتدا مصادیق اعتدا) تجاوز از حد در میدان جنگ را شامل کشتن زنان، پیران، صبیان میدانند و همانطور که ذکر شد، با توجه به حرمت تجاوز از حد در استفاده از ابزارهای غیر متعارف در جنگ، یکی از مصادیق اعتدا قطعاً استفاده از این نوع سلاحها میباشد.

فقه‌های مالکی

و لا یقتلنسا و لا الصبیان لما صح من نهیه علیه الصلاه و السلام عن قتلهم (ابی لزهیری، الثمرالدانی ۴۱۴)؛ نکشید زنان و بچه‌ها را به دلیل آنچه مورد نهی واقع شده از قتلشان.

و هاهنا تفریعنا لاول فی الكتاب لا یقتل النساء و لا الصبیان و لا المشایخ و لا الرهبان فی الصوامع الدیارات و یترک لهم من اموالهم ما یعیشون به نهی قتل العسیف و هو الجیر و فی مسلم نهی عن قتال النساء و الصبیان و فی النسائی لا تقتلوا ذریه و لا عسیفا (القراخی، ۱۹۹۴: ۳۹۸-۳۹۷)؛ و اینجا دو تا فرع وجود دارد: اول: در کتاب آمده است که زنان و بچه‌ها و افراد پیر و سالخورده و رهبان در صوامع و دیارات را نکشید و رها میشود آن اموالی که به درد معیشتشان میخورد، و نهی شده از کشتن عسیف و آن عبارت است از شخصی اجیر و در مسلم از کشتار زنان و بچه‌ها و در نسائی از قتل ذریه و اجیر نهی شده است. با توجه بعضی روایات، این فقها علاوه بر نهی کشتن زنان، پیران، صبیان، نهی از قتل اجیر و رهبان نیز به آن اضافه شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی و ادله حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی، باید گفت نظام حقوقی و فقهی شیعه و تسنن، نه تنها هیچ سازگاری با استفاده و تولید و انباشت اینگونه از سلاحها ندارد، بلکه این اعمال را در مقابل اخلاق، فقه و انسانیت معنا کرده است. دیدگاههای فقیهانی مانند آیه الله خامنهای در خصوص حرام بودن اینگونه سلاحها، مبتنی بر آموزههای اخلاقی، فقهی و حقوقی شیعه در راستای ارائه شده است؛ از این روی این دیدگاه میتواند الگویی برای اخلاق جنگی و نظام حقوقی جهان باشد. نکته حایز اهمیت این است که حکومت اسلامی تولید و انباشت اینگونه سلاحها به بهانه دفاع مشروع را نمیپذیرد و تحریم اینگونه سلاحها را چه برای تهاجم و تخصص و چه برای دفاع و بازدارندگی باشد را نیز نمیپذیرد و آن را تهدید بالقوهای برای آینده انسانیت و سازمانهای حقوق بشری میندازد. شاید وجه تمایز به اصطلاح مدافع حقوق بشر با قوانین اسلام نیز در این است که قوانین اسلام چون از یک منبع الهی و ائمه اطهار که خود مفسران و شارحان بیتنقض این آیات هستند استخراج میشود اما حقوق بشر از سلیقههای شخصی، افراد و سازمانهای جویای منافع شخصی و ملی که به شدت در معرض خطا و دستخوش تغییرند، نشات میگیرند.

منابع

-قرآن کریم.

-نهج البلاغه.

-ابنالدریس حلی، محمد السرائر لتحریرالفتاوی. قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

-ابن زهره، حمزه بن علی، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم: موسسه الامام

الصادق، ۱۴۱۷ق.

-ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق.

-خامنهای، سید علی، پیام به اجلاس بینالمللی خلع سلاح، ۱۳۸۹/۱/۳۷.

- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الحکام فی بیان الحلال و الحرام، ط ۴، قم: موسسه المنار، ۱۴۱۳ ق.
- آبی ازهری، الثمر الدانی، بیروت، المكتبه الثقافیه، بی تا.
- ابن ادريس شافعی، ابو عبدالله محمد، کتاب الام، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، الطبعة الثانيه، ۱۴۰۳ ق.
- ابن قدامه جمعه علی قدسی، عبدالرحمن، الکافی فی فقه ابن حنبل، از سلسله المصادر الفهمیه، علی اصغر مروارید، دارالتراب، بیتا.
- احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ترمذی، محمد بن عیسی، السنن الترمذی، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمانی، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، الطبعة الثالثه، ۱۴۰۳ ق.
- خوئی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق.
- ساعد، نادر، حقوق بشر دوستانه وسلاحهای هستهای، چ ۱، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۶.
- شارل، روسو، حقوق خصمانه مسلحانه، ترجمه سید علی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوق بینالمللی، ۱۳۶۹.
- موصلی حنفی، الامام عبدالله بن محمود بن مودود، الخیار لتعیل المختار، تعلیق و تخریج: عبدالطیف محمد عبدالرحمن، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبقة الاولى، ۱۴۱۹ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳.
- ممتاز، جمشید، حقوق بینالمللی سلاحهای کشتار جمعی، ترجمه تمیر حسین رنجبریان، چ ۱، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷.
- نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۳۶۵ ش.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت لاحیا التراث، ۱۴۰۸ ق.